

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

تتبع، نگارش و نوشته از:

الحاج امین الدین « سعیدی - سعید افغانی » و داکتر صلاح الدین « سعیدی - سعید افغانی »  
۲۳ نومبر ۲۰۱۵

بسم الله الرحمن الرحيم

## آیا تارک نماز واقعاً کافر است؟

۲

### دسته دوم:

دسته دوم شامل حال آن‌عده از افراد بی نماز می‌گردد که نه تنها نماز نمی‌خوانند بلکه بر فرضیت نماز نیز اعتراف ندارند و خواندان نماز را ضرور نمی‌دانند. حتی بر واجب بودن نماز در بین مردم استهزاء و تمسخر آشکار می‌کنند.

احکام صادره در مورد طایفه دوم:

علماء می‌گویند: در مورد منکران نماز یعنی کسانی که از فرضیت نماز نه تنها انکار می‌کنند، بلکه بر مقام و منزلت نماز ضروری می‌رسانند و آنرا به باد تمسخر قرار می‌دهند، این عده افراد به دین ضرر می‌رسانند بناءً حکم امامان چهارگانه در مورد منکران وجوب نماز و یا کسانی که آن را خوار و سبک بشمارد، و بدین وسیله امر پروردگار و پیامبر صلی الله علیه وسلم را تکذیب نمایند و در قلب او حتی به اندازه دانه خردلی ایمان وجود نداشته باشد، پس او مانند کافرانی است که خداوند متعال آنان را اینگونه توصیف می‌نماید:

« وَإِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوهَا هُزُوًا وَلَعِبًا ذَلِكِ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ » (سوره مائده/ ۵۸) ( آنان هنگامی که (آذان می‌گویند و مردمان را) به نماز می‌خوانید، نماز را به باد استهزاء می‌گیرند و بازیچه‌اش قرار می‌دهند (و بدان می‌خندند و تمسخرش می‌کنند) .

این کارشان بدان خاطر است که ایشان کسانِ نفهم و بی‌شعوری هستند (و ضلالت را از هدایت باز نمی‌شناسند و هدف و حکمت نماز را درک نمی‌کنند).

بدین ترتیب، از منزلت و جایگاه کسانی آگاه می‌شویم که نماز و عبادت را از مظاهر عقب‌ماندگی و ارتجاع می‌دانند، و برپادارندگان نماز را مسخره می‌کنند.

حکم امام ابوحنیفه در مورد تارک نماز:

پیروان امام صاحب ابو حنیفه در مورد اشخاص تارک نماز می فرمایند: اگر شخص از جهت تنبلی و سستی نماز را ترک می کنند فاسق بوده چنین کسی، با ترک نماز فاسق می شود، و واجب است که او را تأدیب و تعزیر کرد و باید او را به حدی زد، تا خون از اندام او جاری گردد و تا هنگامی که به ادای نماز نپردازد در زندان باقی بماند، و حکم تارک روزه نیز به همین منوال است.

پیروان امام ابو حنیفه (رح) می افزیند:

ولی اگر شخص تا زمانی که فرضیت نماز را انکار نکند یا آن را ناچیز نداند حکم به کفر کرده نمی شود و به قتل هم نمی رسد.

#### **حکم امام احمد در مورد تارک نماز :**

امام احمد (رح)، در مشهورترین روایات خود، می گوید: شخص نماز نخوان کافر است، و خارج از دین و «مارق» تلقی می گردد، و مجازاتی جز قتل ندارد. و واجب است که از او بخواهند که توبه نماید، و با ادای نماز وی را به اسلام برگردانند، اگر پذیرفت، او را رها کنند و اگر نپذیرفت گردن او را بزنند.

#### **حکم امام شعرانی در مورد تارک نماز :**

امام شعرانی از جمله استادان جید جهان اسلام در کتاب خود العهود الموائیق المحمدیه می نویسد:  
رسول الله صلی الله علیه وسلم از همه ما مسلمانان تعهد عام گرفته اند که هرکسی که تارک الصلاة است از هر طبقه باشد عالم، عامی و یا مقلد باشد باید برای او بیان نمائیم که فضیلت نمازهای فرض چه می باشد و این مطلب را با تأکید کامل به او یاد آوری کنیم و به همه نزدیکان و آشنایان خود بگوئیم که گناه تارک الصلاة تا چه اندازه مذموم است و مرتکب چه گناهی می شود و با اینکار دین خود را به باد می دهد.

#### **حکم شیخ حبیب بن عبد الله در مورد تارک نماز :**

شیخ حبیب بن عبدالله بن علوی الحداد در نصابی خود آورده است: همانگونه که محافظت و مداومت نماز بر خودت واجب است و ضائع ساختن آن بر خودت حرام است همانگونه بر تو واجب است که بر اهل و اولاد در خصوص به جا آوردن نماز سختگیری نمائی و همانطور هر کس که زیر دست توست باید او را به اقامه نماز واداری و هیچ عذری در نماز نکردن از او نپذیری و هرکدام از آنان که سختت را نشنیدند بر تو واجب است که بر آنان خشم بگیری و آنان را تهدید نمائی و عقوبت دهی. اگر اینکار را نکردی خودت هم از جمله کسانی خواهی بود که به نماز و حقوق خداوندی و دین خدا بی اعتنائی می کند. اگر آنان را عقوبت دادی و تهدید نمودی و بر آنان خشم گرفتی سودی نداد واجب است که آنان را از خود برانی زیرا شیطانی بی خیر و برکت هستند که نه دوستی با آنان رواست و نه زندگی با آنان جایز است. دشمنی با آنان، بریدن از آنان و دوری گرفتن از آنان واجب است برای این که آنان دشمنان خدا و رسول هستند و چنانچه خدای متعال فرموده: «لا تجد قوما بالله و الیوم الاخر و یوآدون من حد الله و رسوله و کانوا اباانهم او ابناء هم او اخوانهم او عشیرتهم اولئک کتب فی قلوبهم الایمان و ایدهم بروح منه» (مردمانی را نخواهی یافت که به خدا و روز قیامت ایمان داشته باشند ولی کسانی را به دوستی بگیرند که به خدا و پیغمبرش دشمنی ورزیده باشند هر چند که آنان پدران یا پسران یا برادران و یا قوم و قبیله ایشان باشند. چرا که مؤمنان را خدا بر دلهایشان رقم ایمان زده است و با نفخه ربانی خود یاریشان داده است و تقویتشان کرده است. (سوره مجادله آیت ۲۲).

خوانندگان محترم!

واقعیت امر اینست که: قرآن عظیم الشان، نماز نخواندن را از خصوصیات کفار دانسته آنجا که می فرماید: «وَأَذًا قِيلَ لَهُمْ ارْكَعُوا لَا يَرْكَعُونَ» (سوره مرسلات/۴۸). «(چنان از باده غرور سرمست هستند که) وقتی بدانان گفته می شود: (در

برابر اوامر و نواهی الهی) خضوع کنید و کرنش ببرید خضوع نمی‌کنند و کرنش نمی‌برند! «  
و در روز قیامت آنان را اینگونه توصیف می‌کند: «يَوْمَ يَكْشِفُ عَن سَاقٍ وَيَدْعُونَ إِلَى السُّجُودِ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ، خَاشِعَةً  
أَبْصَارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ وَقَدْ كَانُوا يُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ وَهُمْ سَالِمُونَ».

(روزی، هول و هراس به اوج خود می‌رسد، و کار سخت دشوار می‌شود. بدین هنگام از کافران و مشرکان خواسته  
می‌شود که سجده کنند و کرنش ببرند، اما ایشان نمی‌توانند چنین کنند. این در حالی است که چشمانشان (از خوف و  
وحشت و شرمندگی و شرمساری) به زیر افتاده است، و خواری و پستی وجود ایشان را فرا گرفته است. پیش از این  
نیز (در دنیا) بدان گاه که سالم و تندرست بودند به سجده بردن و کرنش کردن خوانده می‌شدند (و ایشان با وجود توانایی،  
سجده و کرنش نمی‌کردند). «.

از نظر قرآن زمانی انسان از مصونیت جان خویش برخوردار خواهد بود، و تحت لوای اخوت اسلامی درخواهد آمد،  
که از شرک توبه کند و نماز را برپای دارد و زکات را بپردازد. خداوند درباره مشرکان و کافران حربی می‌فرماید: «  
فَإِن تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ».

«اگر توبه کردند و (از کفر برگشتند و به اسلام گرویدند و برای نشان دادن آن) نماز خواندند و زکات دادند، (دیگر از  
زمره شماینند و ایشان را رها سازید و) راه را بر آنان باز گذارید. بیگمان خداوند دارای مغفرت فراوان (برای  
توبه‌کنندگان از گناهان)، و رحمت گسترده (برای همه بندگان) است. «.

و بعد از آن می‌فرماید: «فَإِن تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ فِي الدِّينِ وَنُقِصَلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ» (اگر آنان  
(از کفر) توبه کردند و (احکام اسلام را مراعات داشتند، و از جمله) نماز را خواندند و زکات دادند (دست از آنان  
بدارید، چرا که) در این صورت برادران دینی شما هستند (و سزاوار همان چیزهایی بوده که شما سزاوارید، و همان  
چیزهایی که بر شما واجب است، بر آنان هم واجب است). ما آیات خود را برای اهل دانش و معرفت بیان می‌کنیم و  
شرح می‌دهیم).

قرآن تصویری از سیمای آخرت را برای ما ترسیم می‌کند که کافران و ستمگران در دوزخ اند، و مؤمنان اصحاب‌الیمین  
از آنان می‌پرسند:

«مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ؟ قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ، وَلَمْ نَكُ نُطْعِمِ الْمَسْكِينِ، وَكُنَّا نَحُوضُ مَعَ الْخَاطِئِينَ، وَكُنَّا نُكْذِبُ بِيَوْمِ  
الَّذِينَ» (چه چیزی شما را در آتش دوزخ درآورد؟ گویند: از نمازگزاران نبودیم و بینوایان را غذا نمی‌دادیم، با  
هرزه‌درایان هرزه‌درائی می‌کردیم و روز جزاء را دروغ می‌شمردیم).

نخستین نمود جرم و کفر آنان این بود که از نمازگزاران نبودند. هرگاه به سنت نبوی مراجعه نمائیم، احادیث صحیح  
نبوی را می‌یابیم که کافرشدن نماز نخوان را تأیید می‌کند.

در حدیثی از معاذ بن جبل روایت شده که پیامبر صلی الله علیه وسلم خطاب به وی فرمود:

«لَا تَتْرُكُ الصَّلَاةَ فَإِنَّ مَنْ تَرَكَ الصَّلَاةَ مُتَعَمِّدًا فَقَدْ بَرِئَتْ مِنْهُ ذِمَّةُ اللَّهِ» (نماز را عمداً ترک مکن که هرکس به طور عمد  
نماز را ترک کند، خداوند متعال تعهدی در قبال او نخواهد داشت). طبرانی به سند خود در معجم اوسط این حدیث  
را روایت کرده و منذری در متابعات گفته است: قابل قبول است.

از عبدالله بن عمر روایت شده که پیامبر صلی الله علیه وسلم روزی درباره نماز فرمود: «هرکس بر نماز محافظت کند  
نماز برای او نور و برهان و نجات در روز قیامت خواهد شد، و هر کس بر آن محافظت ننماید هیچ نور و برهان و  
نجاتی برای او نیست و در روز قیامت همراه فرعون و هامان و ابی‌بن‌خلف خواهد بود.» احمد بن حنبل این حدیث را  
روایت کرده و هیثمی گفته است: رجال آن موثق می‌باشند.

## حکم ابن قَیم (رح) در مورد تارک نماز:

شیخ ابن قَیم دمشقی از موالید (۶۹۱) هجری در دمشق در مورد تارک نماز می فرماید: «هرکس به سبب سرگرمی به سیاست و امارت نماز را ترک کند، با فرعون محشور خواهد شد، و هرکس به سبب سرگرمی به مال و دارائی نماز را ترک کند، با قارون محشور خواهد شد، و هرکس که پست و مقام او را از نماز باز دارد، با هامان محشور خواهد شد، و هرکس به سبب سرگرمی به تجارت نماز را ترک کند با اَبی بن خلف محشور خواهد شد.»

وقتی کسانی که بر نماز محافظت می نمایند، با این کافران ستمگر محشور شوند، در حالی که عذاب آنان در دوزخ بسیار شدید است، پاداش کسانی که به طور کامل نماز را ترک کنند، و یک عمر رکوع یا سجودی به درگاه خداوند نبرده باشند، چگونه است؟

و پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: «مَنْ تَرَكَ صَلَاةَ الْعَصْرِ حَبِطَ عَمَلُهُ» (احمد و بخاری و نسائی از بریده روایت کرده اند. «هرکس نماز عصر را ترک کند باعث از میان رفتن و حبط اعمال او می گردد.»

وقتی که ترک یک نماز باعث از میان رفتن و حبط اعمال می گردد، کسی که همه نمازها را ترک کند مجازات او چگونه است؟

قرآن منافقان را برای ما چنین معرفی می کند که وقتی آنان برای نماز می ایستند با تنبلی و کسالت می ایستند. حال کسان که نه با نشاط و نه با تنبلی به نماز می ایستند، چگونه خواهد بود؟

همچنان هیچ یک از صحابه راجع به تکفیر کسی که نماز را عمداً ترک کند و یا خارج از دین قلمداد کردن چنین کسی مخالفت ننموده است.

ترمذی از عبدالله بن شقیق (رض) به سند صحیح روایت می نماید که او گفته است:

یاران رسول الله صلی الله علیه وسلم ترک هیچ عملی را به جز نماز کفر نمی دانستند. عبارت راوی بیانگر این است که صحابه (رض) همگی در این مسأله اتفاق نظر داشتند، به همین خاطر این نقطه نظر را به یکی از اصحاب به طور مشخص و معین نسبت نداده است.

همچنین، علمای دین و اصحاب حدیث نظر اصحاب کرام، تابعین و فقها را به شرح بیان داشته است:

حضرت علی (رض) فرموده است:

هر کس نماز نخواند کافر است.

ابن عباس روایت فرموده اند که:

هرکس نماز را ترک کند کافر است.

همچنان از ابن مسعود روایت شده است که هرکس نماز را ترک کند بی دین است.

حکم جابر بن عبد الله (رض) در مورد تارک نماز:

جابر بن عبد الله (رض) باتمام صراحت حکم نموده است که هر کس نماز نخواند کافر است.

ابودرداء می فرماید:

کسیکه نماز نخواند ایمان ندارد، و نیز نماز را ادا نکرده است کسی که وضوء ندارد.

از ایوب سختیانی روایت شده است که می گوید: در این که تارک نماز کافر است اختلافی نیست.

حافظ منذری پس از ایراد و بیان این روایات و شیوه های پیشینیان می گوید:

جماعتی از اصحاب از جمله عمر بن خطاب، عبدالله بن مسعود، عبدالله بن عباس، معاذ بن جبل، جابر بن عبدالله و ابودرداء- رضی الله عنهم- و از غیر اصحاب، احمد بن حنبل، اسحاق بن راهویه، عبدالله بن مبارک، نخعی، حکم بن عتیبه، ایوب سختیانی، ابوداود طیالسی، ابوبکر بن ابی شیبه، زهیر بن حرب و دیگران- رحمهم الله تعالی- گفته‌اند:

هر کس عمداً نماز را ترک کند تا وقت آن سپری گردد، کافر است. ( - الترغیب والترهیب، جلد ۱، کتاب الصلاة، فصل الترهب، (من ترک الصلاة تعمداً).

### حکم امام ابن تیمیه در مورد تارک نماز :

شیخ ابن تیمیه (رح) می فرماید : نباید بر تارک نماز سلام کرد و نباید مهمانی او را قبول کرد ... همچنین، جایز نیست که پدر، دختر خود را به همسری شخص بی‌نماز درآورد؛ زیرا شخص بی‌نماز در حقیقت مسلمان نیست و شایستگی ازدواج با دختر مسلمان را ندارد و نمی‌تواند در نگهداری و سرپرستی او و فرزندان او امین باشد.

و نیز جایز نیست که صاحبان مؤسسه‌ها و کارخانه‌ها، اشخاص بی‌نماز را به حیث کارمندی مقرر نمایند، زیرا چنین عملی به عنوان اعانه به معصیت تلقی می‌گردد و کسی که حقوق پروردگاری را که خالق و رازق اوست تباه گرداند، حقوق بندگان را به مراتب بیشتر اهمال و تضییع خواهد کرد.

به این ترتیب، مسؤلیت جامعه در مقابل این فریضه الهی که به عنوان ستون و پایه دین به‌شمار می‌آید، واضح و روشن خواهد شد، نماز فریضه‌ای است که ترک آن برای هیچ کس جایز نیست مگر آن که به چنان مرضی سختی مبتلا شود که فاقد هوش و اختیار گردد، و درک فرمان الهی برای او دشوار گردد؛ در غیر این صورت امراض دیگر حتی اگر منجر به قطع اندامهای شخص گردند یا او را زمین‌گیر یا فلج گردانند، نماز از او ساقط نخواهد شد.

شریعت خطاب به مریض می‌گوید:

به هر طوری که می‌توانی تطهیر کن و وضوء بگیر، آن اندازه که در توان داری نماز بگذار و نماز را هیچ گاه ترک نکن، با آب وضوء بگیر، اگر آب نیافتی با خاک پاک تیمم کن. ایستاده نماز را ادا کن و اگر نتوانستی به‌صورت نشسته، و اگر باز نتوانستی به پهلو یا به پشت خوابیده، با اشاره سر یا ابرو، نماز را بخوان.

همچنان که خداوند متعال می‌فرماید: « فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ » (سوره تغابن/۱۶) (تا آنجا که می‌توانید از خدا پروا بدارید).

جامعه در برابر انجام این فریضه، مسؤلیت دارد، به خصوص حاکم مسؤلی نسبت به رعیت و زیردستان همچون پدر نسبت به فرزندان کوچک یا شوهر نسبت به همسر، مسؤلیت دارد.

پروردگار با عظمت ما در این باره می‌فرماید: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى» (سوره طه/۱۳۲). (و کسان خود را به نماز فرمان ده و خود بر آن شکیبا باش، ما از تو جویای روزی نیستیم ما به تو روزی می‌دهیم و فرجام نیک برای پرهیزگاری است).

همچنان خداوند متعال می‌فرماید :

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ » (سوره - تحریم/ ۶). (ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود و اهل تان را از آتشی که سوخت آن مردم و سنگهاست، حفظ کنید)

وقتی که شوهر اهتمام و توجه خاصی به همسر خود دارد و دوستدار اوست، همچنین پدر که نسبت به فرزندان خود عشق می‌ورزد و برای آنان دلسوزی می‌کند، باید همواره بکوشد تا آنان را از آتش دوزخ مصون نگاه دارد، و آنان را نسبت به اطاعت و عبادت پروردگار که مهمترین زمینه آن، اقامه نماز است، دستور دهد.

ادامه دارد